«گنج نور» از منظر کارشناسی

 راهجیری، علی

هزاران درود و آفرین بر چیره‏دستان مشکین قلم و طرفه‏نگاران شیرین رقم که با پایمردی و دستیاری استعداد و قریحه و ممارست و ریاضت خویش و تحمل رنج و زحمت، این تحفه گرانبها و مجموعه شیوا را که گنجینه نفیس آیات سبحانی و خزانه عزیز معالم رحمانی است تهیه و تدارک کردند و با قران ساختن سعیدین دو هنر فاخر و فخیم ایرانی و اسلامی«خط و تذهیب»بکر جمیل ذوق پاک و قریحه تابناک را بیاراسته و او را هر هفت کرده بر سر بازار پر مشتری آوردند و به دست عاشقان شیفته و مشتاقان فریفته و خریداران دلباخته جمال و زیبایی سپردند.

اینک رسالت در بقا و صیانت و تداوم این گنج هنر، و مجاهدت در حراست و اعتلای این خزانه ذوق و نبوغ بر عهده همت هنردوستان و ذوق پروران ایرانی و اسلامی این مرز و بوم است که رشته بافته و تافته به هم بسته و پیوسته آن را در میان دستان نیرومند خود بگیرند و رها نکنند و به دامنه بلند ابدیت گره زنند و نام نامی و اسم گرامی این قوم بزرگ و سترگ و نامدار و بلند آوازه را پاینده و جاودانه سازند.از همه این وجودهای عزیز و مغتنم و ذوات محترم و معظم، با دل و جان و از بن دندان، سپاس دارم و از خداوند یکتا و یزدان بی‏همتا مسئلت می‏کنم که آنان را در کنف عنایت و حمایت خود مصون و محفوظ بدارد.آمین یا رب العالمین.

گنج نور این کتاب مستطاب از انتشارات سروش و مشحون و مشتمل است بر قطعات خط عده‏ای از خوشنویسان خطوط و اسالیب مختلف در 98 صفحه و با قطع 50\*35 و چاپی نسبتا زیبا و نفیس که از هر حیث در خور تمجید و تحسین و درود و آفرین باشد.

صفحات مقدمه کتاب 26 سطری و مقدمه آن در 9 صفحه به قلم شیرین و چامه دلنشین خطاط و خوشنویس جوان معاصر آقای محمد جلیل رسولی است و پس از آن، قطعات یکی پس از دیگری، به خط خوشنویسان معاصر تا به پایان پیش می‏رود.

چنانکه یاد شد خوشنویس جوان معاصر ما آقای جلیل رسولی نوشتن مقدمه را به عهده گرفته و الحق و الانصاف بخوبی کفایت کرده است، با آنکه انتظار نمی‏رفت کار را به این زیبایی و فریبایی از آب در آورد، زیرا اهل فن می‏دانند کسانی که مانند ایشان، بیشتر با قلمهای درشت یعنی از قلم پنج- ششدانگ به بالا هنرنمایی می‏کنند به علت شرایط درشت نویسی و عادت دستها در گردش حروف و کلمات درشت که دوری بیشتر می‏خواهد از انجام امور کتابتی یعنی ریز نویسی عاجز و ناتوانند و بر همین قرار است آنانکه در ریز نویسی یعنی کتاب ممارست و سلطه و مهارت پیدا کرده‏اند، دستهای آنان نیز از گردش حروف بزرگ(جلی نوشتن)فرو می‏ماند و باز می‏ایستد.

از اینجاست که این دو اصل همیشه از یکدیگر جدا و رها مانده‏اند و کمتر هنرمندانی یافت می‏شوند که جامع الاطراف باشند و استادی و توانایی خود را در نوشتن خفی و جلی هر دو نشان دهند.پس جای بسی تمجید و تحسین است که آقای جلیل رسولی با آنکه هنوز چهل بهار از عمر خود را به پشت سر نگذاشته است و لاجرم نمی‏توان هیچ گونه انتظاری از ایشان داشت، کتابت مقدمه را براستی و در حدی قابل قبول، به زیبایی و شیوایی و بی‏اشکالات فنون خطیه، از خلوت و جلوت و ترکیب و کرسی‏بندی و فواصل سطور ناصواب و نامطبوع و شاید غلط، بپاکیزگی انجام داده و از عهده بر آمده است.

قطعات بعد کتاب به نام خداوند بخشنده مهربان و به خط شکسته آقای ید الله کابلی آغاز می‏شود.چون امروزه شکسته‏نویسی را در پهنه خطاطی نمی‏توان یافت، جای شکر است که ایشان و تنی چند مانند ایشان سالهاست استعداد خود را در این گونه قلم می‏آزمایند و مشتاقان شکسته‏نویسی را امیدوار می‏سازند.

رجای واثق آنکه به همین شیوه پسندیده ادامه دهند و برای حفظ و صیانت آن کمر همت بر میان بسته دارند و کار را به ذروه کمال برسانند و ان شاء الله خود همانند علی اکبر گلستانه دیگری از آب درآیند.

پس از ایشان، خط ثلث مرحوم احمد نجفی زنجانی و خطوط ثلث ریحانی و نستعلیق محمد احصائی و خط ثلث حجت الاسلام کشفی و خط ثلث آیت الله سید مرتضی حسینی نجومی و خطوط ثلث و نسخ آقای صمدی و خطوط نسخ و ثلث و طغرای حجت الاسلام فضائلی و خطوط نسخ و ثلث آقای قنبری، هر یک در حد و موقعیت و استعداد، نشانی از قوت و قدرت و لطافت و ظرافت و ذوق و قریحه آنان دارد و بس.

قطعه النور-قطعه فروغ جاودان-قطعه دعا.

عباس اخوین از خوشنویسان ماهر و با سابقه و معتبر هم، مانند اکثر قلم زنان هیچگاه از جهات تعلیم قواعد و کرسی بندی بدون لغزش نیست کما اینکه این نکته را در دیدارهای خود همواره به او گوشزد کرده‏ام و شاید هم کسی، خاصه در این عصر در عرصه خوشنویسی صد در صد بی‏عیب نتوان یافت، اما با رجوع به قطعات او در این مجموعه کاری چشمگیر که بتوان آن را بر کارهای استادانه و خوب قبلی او در موارد گوناگون رجحان داد، ارائه نکرده است ولی مجموعا آنگونه که سایرین هم رقم زده‏اند در حدی موفق است و قابل استحسان.

قطعه ستایش خدا-قطعه دانش-قطعه پرهیزگاری- قطعه توکل به خدا.

غلامحسین امیرخانی در خوشنویسی دستی توانا دارد و بختی قرین، و مورد تأیید عامه است.چنانچه بخواهیم از بعضی نکات خرد اغماض کنیم، خطوط وی را در این کتاب به زیبایی و آراستگی و با کیفیتی بیشتر از همیشه به نظر می‏آوریم لذا با توجه به میزان و معیار کار در عصر ما وی در حد و مقام خود معتبر است و انصافا قابل تحسین و ترغیب می‏باشد.

قطعه بهترین آفرینندگان.

پس از استادان متأخر روزگار ما همچون مرحوم حسن زرین خط که مخصوصا در خفی و جلی نویسی و سطربندی ممتاز و مشهور است و نیز آقا سید حسن میرخانی سراج الکتاب و علی اکبر کاوه که از اعاظم استادان نامی و بی‏رقیب بوده و هستند، چشم ما به خوشنویس قدیمی و معمر و پر کار و کامل العیاری چون عبد الله فرادی روشن بود، زیرا من در طی سالهای متمادی خطوطی در زیبایی و شیوایی و نهایت پختگی و استحکام توأم با حفظ قواعد و اصول فنون خطیه از آثار او

مشاهده کرده بودم که بحق و انصاف می‏توانستم آنها را در برابر خط استاد کل علی اکبر کاوه قرار بدهم، بر خلاف انتظار و با عرض پوزش از محضر محترم ایشان، به عللی که برای اینجانب روشن نیست و شاید هم به سبب عجله و شتابزدگی و یا قید و تکلف بی‏حد در نوشتن قطعه بهترین آفرینندگان، اثر قلم ایشان به هیچ وجه مورد انتظار ما نبود، اولا ترکیب و کرسی که دو رکن عمده و اساسی خط است در کارش مشاهده نمی‏شود، زیرا اینجاست که هنرمند می‏تواند قدرت ابتکار و خلاقیت خود را بروز دهد، ثانیا حروف و کلمات مفرده و مرکبه و مماثل را نیز با قدرت و تسلط کاملی که در این باب دارند و در سنوات بعیده از او دیده بودیم، ابدا از خود نشان نداده‏اند، حالی که او قلمی سخت محکم و موافق اصول فنی دارد و در اقلام از 2 دانگ به بالا در خط نستعلیق، سلطه‏ای وافر و غلبه‏ای متکاثر بر همه خوشنویسان دارد و سر آمد همگنان است.

قطعه روز الست.

اما آقای محمد حیدری.این جوان با اینکه شاید هنوز به سن سی سالگی نرسیده، ولی پس از تعلیمات چند ساله نزد آقای ید الله کابلی و با وجودی که وی چپ دست می‏باشد یعنی به نوشتن خطوط با دست چپ و اینکار مشکل عادت دارند، قطعه مزبور را به احسن وجه و با سلیقه و در حد خوب و دلنشین رقم زده‏اند.

قطعه بار امانت و پرهیزکاران.

این قطعه به خطوط ریحان و ثلث و نستعلیق و سیاه مشق در یک صفحه و چند سطر اثر کلک گهر سلک آقای محمد احصائی است که علاوه بر زیبایی صورت ظاهر از لحاظ ترکیب بندی و انتخاب دانگ قلم‏ها، مجموعه‏ای است دلپسند و زیبا و رعنا و عاری از عیب و عوار و به شیوه مخصوصی که خاص این خوشنویس مبرز و ماهر و پرکار و با سلیقه معاصر می‏باشد نوشته شده است.

قطعه محمد پیامبر خدا-قطعه بیزاری جستن از مشرکان.

آقای محمد جلیل رسولی خوشنویس پر کار و با استعداد و قریحتی فیاض، که گویی یک شبه راه صد ساله پیموده، تا کنون نمایشگاههایی متعدد در ایران و خارج از کشور بر گزار کرده است و در همه آنها با استقبال بازدیدکنندگان روبرو شده، و دهها و صدها تابلوی متنوع به خطوط و اقلام مختلفه به نوک قلم او انتقاش یافته است، بیشتر این تابلوها سنتی بوده و اندکی از آنها را هم نمی‏توان گفت که از حدود آداب و قواعد و شرایط سنتی خارج شده، زیرا تمامی قواعد و تعلیمات سنتی، خمیر مایه اصلی متن آثار خطی او می‏باشد و از آن اصول ریشه گرفته است، منتها گاهی هم به نقاشیخط پرداخته و کارهایش در هر زمینه همواره با اصالت و رسالت توأمان است.وی در دو قطعه مذکور به اسامی فوق، قطعاتی زیبا و شیوا و با رعایت ریزی و درشتی و فواصل بین السطور و دیگر تناسبات کلی نوشته که هیچ گونه ایرادی در آنها به نظر نمی‏رسد.

چون نامی از نقاشیخط برده شد بجا و سزاوار است گفته شود که نقاشیخط، هنری است چند بعدی که به همان هنر کلاسیک(سنتی)، خط متکی است به اضافه اطلاع و شناخت وسیع از رنگها و استفاده بجا و بموقع از آنها و ایجاد سایه روشنها، تا پدید آورنده چنین اثری بتواند به تابلویی که آن را عرضه می‏کند بعد و حجم دهد و بیننده چنان انگارد که آن خطها به طور برجسته(حجم‏دار)پدید آمده است.تلقی از معنای نقاشیخط این نیست که خالق تابلو از قوانین و قواعد عالمانه و صحیحه قرون و اعصار گذشته سرباز زند، که در صورت روی گردانی از قواعد فنون خطیه-که اصل مسلم آفرینش هنر واقعی است-موجب انحطاط و تدنی هنر و بالمآل به شکست هنرمند موقوف خواهد گردید، و رسولی هرگز و هیچ وقت از شروط مذکور در بالا عدول نکرده و تغافل و اهمال نورزیده و اصالت در کار هنر را همواره به منصه ظهور رسانیده است.ناگفته نماند اگر کسانی باشند که کارهای تابلویی و رنگ و روغنی او را مورد نقد و رد و نفی و طرد قرار دهند و بگویند این تابلوها خط سازی و خط پردازی بوده و یا مبتنی بر اصول نقاشیخط می‏باشد، در مورد کارهای قلمی او آن هم با یک قلم و با کمال قدرت و استحکام و ریختن و بیختن مرکب بر روی کاغذ از خفی و جلی و سیاه مشق و پاکنویس چه خواهند گفت؟آیا در آن هم باز موضوع خطسازی و خط نگاری در میان است؟

قطعه فطرت الهی.

اثر قلم بانو سهیلا سندوسی به قلم شکسته.در کار قلم و خط و کاری چنین مشکل و پر دامنه و پر ریاضت و طویل الحصول، معمول آن است که غالبا مردان وارد میدان شده‏اند و می‏شوند، اما اکنون دیده می‏شود که خوشبختانه چندی است بانوان نیز بدین کار دست یازیده‏اند و کما بیش در حد توان و بضاعت خویش از عهده بر آمده و به توفیق دست یافته‏اند.

اینک باید گفت که ایشان با ذوق و نبوغ ظریف خود سلیقه و ابتکار به خرج داده، ریز و درشت را بخوبی نوشته‏اند که جای تحسین و تشویق دارد.

قطعه احسان-قطعه نیکان.

رقم زده کلک هنرمند معاصر و با ذوق آقای غلامرضا مشعشعی است، به طوری که از کیفیت این قطعات بر می‏آید در می‏یابیم که وی دقت نظر خاصی در اسلوب صحیح نوشتن قطعات مذکور در بالا، از خویش نشان داده و مجموعه‏ای زیبا و محکم از خامه خود برنامه ریخته‏اند.

خوشا به سعادت متعلمینی که از محضر چنین‏

خوشنویسانی با قدر و قیمت استفادت و استفاضت می‏جویند.

قطعه بندگان خدای رحمان، به خط کیخسرو خروش.

بدون هیچ گونه مبالغه و گزافه گویی، خروش حقا یکی خوشنویسان برجسته در قلمرو کتابت شمرده می‏شود:

هواجلی من ان یعرف و اجل من ان یوصف

و بویژه در این فن بر همه برتری دارد و مقامش از تعریف و توصیف بی‏نیاز است زیرا:

آفتاب آمد دلیل آفتاب.

هنر او را اصولا در کتابت باید جست، اما در عین حال قلم کتابت تنها قلم انحصاری در انگشتان هنر آفرین او نیست گاه شده است خطوطی تا حدود چهار-پنج دانگ نوشته که انصافا آدمی را به تحسین واداشته است و این مطلب صرفا مجامله و تعارف نیست.لکن در اینجا بی‏پروا باید گفت که آنچه از برشهای ملیح و شیوه دلچسب و شیرین قلم خرو؟؟؟؟ انتظار می‏رفت از او دیده نمی‏شود و گویی او این بار استعداد هنرآفرین همیشگی خود را به کار نگرفته است اما این چیز نیست که از مقام او بکاهد.

چون خط هم یکی از صناعاتی است که بروز و شهود به شرایط روحی و آمادگی کامل بستگی دارد شاید از این باشد که این بار از این قطعه آنچه انتظار داشتیم مشاهده نکردیم.

\*عنوان از کیهان فرهنگی است.